

# حقوق بشر و انجام مذاکرات نهادینه جهانی و منطقه‌ای، راهکار تحقق امنیت جامع

رضا سیمبر\*

غلامرضا اسداللهی\*\*

## چکیده

حقوق بشر در دهه‌های اخیر به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین چالش‌های برجسته در عرصه روابط بین‌الملل، مورد توجه صاحب‌نظران و سیاست‌مداران می‌باشد. امروزه همه آن‌ها اتفاق نظر دارند که بنیاد و اساس آن همراه با آفرینش انسان بوده است، اما مصادیق آن در جوامع گوناگون فرق دارد. برخی آن را کاملاً انسان‌ساخته، عده‌ای مطابق طبیعت انسان و عقل آن (حقوق طبیعی) و گروهی آن را برخلاف جریان روح آدمی دانسته، در حالی که بسیاری آن را الهی می‌پندارند. براین اساس، تمام مکاتب و مذاهب جهان بر تبیین و تحکیم پایه‌های حقوق بشر در جامعه جهانی کنونی متفق‌القول بوده، ولی بزرگ‌ترین چالش آن‌ها اختلاف در مصادیق خواهد بود.

\* استاد روابط بین‌الملل دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه گیلان.

(نویسنده مسئول: rezasimbar@hotmail.com)

\*\* دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه گیلان.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۰۹/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۲/۱۵

فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره نخست، شماره چهاردهم، زمستان ۱۳۹۴، صص ۳۰-۱۱

در همین راستا می‌توان گفت این مقوله در پارادایم صلح و امنیت دیده شود. با توجه به این، هدف نهایی این پژوهش گنجاندن موضوع حقوق بشر در مباحث امنیت جامع در سیاست جهانی بوده است. به‌نحوی که با تحلیل سازه‌انگارانه و گفتمانی، لزوم رویکرد و راهکار انجام مذاکرات رسمی بین‌المللی در این خصوص تبیین شود. با فرض این موضوع، این سوال مطرح می‌شود که چه راهکارهایی برای نزدیک شدن دیدگاه‌های حقوق بشر در جهت تحقق نظریه امنیت جامع در سیاست جهانی وجود دارد؟ برای پاسخ به این سوال، با روش کیفی و نیز استدلال‌های استقرایی و قیاسی به تجزیه و تحلیل موضوع پرداخته شده است. نتایج نشان می‌دهد انجام مذاکرات نهادینه در سطح جهانی و منطقه‌ای در قالب سازمان‌هایی مانند سازمان ملل متحد، اتحادیه اروپا و سازمان همکاری اسلامی بهترین راهکار تحقیق امنیت جامع می‌باشد.

**واژه‌های کلیدی:** حقوق بشر، اسلام، غرب، نظام بین‌الملل، امنیت جامع.

## مقدمه

در دوران معاصر، شکاف و فاصله طبقاتی در ابعاد مختلف اقتصادی و اجتماعی بین افراد جامعه در کشورهای جهان به حدی عمیق و پیچیده شد که عموماً حقوق مردم توسط حاکمان به خطر افتاده و یا مدنظر قرار نمی‌گیرد. از طرفی، نظر به اینکه اکثریت مردم جهان، قائم بر مقدرات اجتماعی خود نیستند، لذا حقوق اساسی آن‌ها توسط حاکمان و یا گروه‌های ذی‌نفوذ نادیده گرفته می‌شود. به طوری که این بی‌عدالتی و تجاوز به حقوق ملت‌ها در قرن بیستم به حدی رشد پیدا کرده بود که بلافاصله از فردای پایان جنگ جهانی دوم (که ثمره‌ای جز کشتار و سرکوبی منزلت انسان‌ها نداشت) با تشکیل سازمان ملل و سپس موضوعات حقوق بشر در ۱۰ سپتامبر سال ۱۹۴۸ تحت عنوان اعلامیه حقوق بشر مشتمل بر یک مقدمه و ۳۰ ماده به تصویب رسید که در آن به انواع آزادی‌های فردی، نژادی، مذهبی، برابری و کرامت انسان‌ها اشاره شده است. اما امروزه در عمل و اجرا، پرداختن به موضوعات حقوق بشر در جوامع گوناگون جهان به یک مسأله پرهیاهوی جامعه جهانی تبدیل شده است. در این رابطه نگاه متفاوت و متمایز برخی از جهان‌بینی‌ها و از جمله اسلام و غرب در تعریف حقوق اساسی، آزادی‌های فردی و اجتماعی بشر، در صورت عدم گفتمان، حلقه بغرنجی در تاریخ جامعه بشر خواهد گذاشت که آثار سوء آن همچنان درد بی‌علاج جوامع و ملت‌های آن‌ها خواهد بود.

در این راستا، پژوهش حاضر به بررسی و تبیین نگاه متفاوت کشورهای جهان به مسأله حقوق بشر، با روش تحلیل گفتمانی و اثر آن در پروژه امنیت جامع نظام بین‌الملل می‌پردازد. در این رابطه می‌توان گفت به‌عنوان مثال انسان از نگاه اسلام و غرب متفاوت تعریف می‌شود. در اسلام، انسان حیّ متعالیه است. یعنی انسان دارای حیاتی همواره زاینده به سمت تعالی و تکامل می‌باشد. بر این اساس، انسان مبدأ

و معاد دارد، مختار و انتخاب‌گر است، خوب را از بد تمیز می‌دهد و با تربیت‌پذیری مسیر رشد و تعالی را می‌پیماید. لذا انسان در برابر خدا، پیامبران، رهبران الهی، هم‌نوعان و وجدان انسانی خویش مسئول و پاسخگو است. از نظر اسلام، هیچ انسانی بر دیگری مزیت و برتری ندارد، مگر در عمل به آموزه‌های دینی و کسب کمالات معنوی و تقوای الهی. بنابراین، خصوصیات نژادی، قومی، جغرافیایی و ... مایه برتری نیست؛ بلکه عمل صالح انسان است که قابل تحسین می‌باشد. همچنین در مکتب اسلام ارزش‌های اخلاقی، که اصول انسانی می‌باشند، ریشه در فطرت انسان‌ها دارد. این ارزش‌ها اصولی ثابت و جاودانه هستند و گذشت زمان و تحولات اجتماعی سبب تغییر و دگرگونی آن‌ها نمی‌شود و تا بشر بوده، به همین ترتیب خواهد بود.

همچنین مکتب سکولار غرب، انسان را در سه مرحله سنت- مدرن و پست مدرن- حیوان ناطق، ابزارساز، پیشرفته و نهایتاً اجتماعی- که همواره به سود و منافع خود نگاه می‌کند، معرفی می‌نماید. بنابراین، دنیای غرب انسان را یک بُعدی تبیین می‌کند و اساس تفکر آن، تمتع و لذت‌جویی انسان می‌باشد. در این تفکر، برخی انسان را موجودی می‌دانند که در قالب جنسیت عمل می‌کند و همه زندگی را غریزه جنسی می‌داند. عده‌ای، انسان را موجودی می‌دانند که در چارچوب قدرت عمل می‌کند. گروهی، انسان را موجودی خودخواه و سودپرست معرفی می‌کنند که همواره و صرفاً به دنبال منافع مادی خودش می‌باشد. در حالی که بسیاری می‌گویند اخلاق نوعی خفکان است که با هستی انسان سازگار نیست و باید آن را دور انداخت و تأکید دارند که باید سازمان دین را منحل کرد. زیرا این قیدی است که مانع پیشرفت و تحول می‌باشد. در آخر نیز برخی (از جمله داروین) انسان را خیلی پست و بی‌ارزش جلوه می‌دهند و می‌گویند انسان از نسل میمون است و سرانجامی مانند آن خواهد داشت.

در تبیین و شناسایی این مکاتب به دلیل اینکه از لحاظ مبانی، نگاه متفاوتی به انسان دارند، در نتیجه شاخص‌های حقوق بشری آن‌ها نیز فرق دارد. مضافاً توجه به این موضوع ضروری است که در سیر تاریخی به مباحث حقوق بشر باید بزرگ‌ترین سهم را به ادیان الهی داد. زیرا اصولاً ادیان الهی همواره در برابر

ستمکاران و قدرتمندان غاصب و ناقض حقوق انسان ظهور کرده‌اند. آن‌ها در بُعد تعلیمات اجتماعی نیز برای عدالت و تساوی حقوق انسان‌ها و رفع تبعیض نژادی و امتیازات طبقاتی مبارزه نموده‌اند. بطوری‌که نمونه‌هایی همچون مبارزه حضرت ابراهیم با نمرد، حضرت موسی با فرعون، حضرت عیسی با روحانیون یهودی، قیام و ایستادگی حضرت محمد(ص) در برابر ستمکاران در تاریخ وجود دارد. بنابراین، تردیدی نیست که مفاهیم عالی‌ه انسانی از قبیل کرامت انسان، آزادی، مساوات و غیره که امروزه مطرح می‌باشد، ریشه در تعالیم انبیای الهی دارد و آن‌ها بر آزادی، برابری و برادری انسان‌ها و دوری جستن از ظلم، برتری‌طلبی و خشونت مذهبی به چشم می‌خورد. این در حالی است که در غرب، دانشمندان علوم اجتماعی همچون مارکس، دورکیم، فروید و غیره دین و آموزه‌های آن را لازم برای دنیا و ساختارهای سیاسی و اجتماعی نمی‌دانند. همچنین علی‌رغم اینکه امروزه بیشتر کشورهای جهان به لحاظ اختلافات فرهنگی و غیره، چالش‌های فرهنگی و نسبی با غرب دارند، غربی‌ها ادعای جهان‌شمولی موازین حقوق بشری را دارند.

در این پژوهش، با فرض اینکه «انجام مذاکرات نهادینه در سطح جهانی و منطقه‌ای در قالب سازمان‌هایی مانند سازمان ملل متحد، اتحادیه اروپا و سازمان کنفرانس اسلامی بهترین راهکار تحقق امنیت جامع در باره حقوق بشر می‌باشد» به دلیل گنجاندن موضوع حقوق بشر در مباحث امنیت جامع و سیاست جهانی، پس از تحلیل سازه‌نگارانه و گفتمانی، فرضیه مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. از این رو، با هدف کاربردی و عملی تحقیق یعنی لزوم رویکرد و راهکار انجام مذاکرات رسمی بین‌المللی در این خصوص خواهیم رسید.

## ۱. تعاریف واژه‌ها و اصطلاحات کلیدی

با توجه به عنوان موضوع یعنی «حقوق بشر و انجام مذاکرات پارلمانی، راهکار تحقق امنیت جامع» واژه‌های کلیدی آن به شرح زیر می‌باشد:

۱-۱. حقوق بشر<sup>۱</sup>: به مجموعه حقوقی گفته می‌شود که براساس نظریه حقوق

1. Human rights

طبیعی و به موجب قانون طبیعی یکسان، به افراد بشر داده شده و جزء ذاتی و جدایی‌ناپذیر موجودیت انسانی آن‌ها به‌شمار می‌آید. در این مورد، نهادهای حقوقی و قضایی (داخلی و بین‌المللی) می‌باید از آن دفاع کنند (آشوری، ۱۳۹۳: ۱۳۱). در این تعریف از حقوق بشر، انسان را تنها به اعتبار اینکه انسان است، دارای حقوق و آزادی‌هایی می‌شناسند که همه انسان‌ها، به‌طور برابر و بدون هیچ تبعیضی باید از آن بهره‌مند گردند. بنابراین، هر فرد انسانی می‌تواند بدون هیچ‌گونه تبعیضی به‌ویژه از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، دین، عقیده سیاسی و یا هر عقیده دیگری و همچنین موقعیت اجتماعی، ثروت، نوع ولادت یا هر وضعیت دیگر، از تمام حقوق و همه آزادی‌های حقوق بشر به‌طور برابر بهره‌مند گردد. در واقع، حقوق بشر استاندارد است برای فرموله کردن زندگی اجتماعی به‌نحوی که عدالت، آزادی، کرامت (حیثیت) انسانی و منافع انسان در روابط اجتماعی بدون تبعیض و به‌طور منصفانه برای همه تأمین شود. به عبارت دیگر، حقوق بشر، ادعاهای فرد انسانی در برابر دولت می‌باشد (هکی، ۱۳۸۹: ۲۸-۲۷). به همین دلیل است که حقوق بشر به‌صورت یکی از ایدئولوژی‌های سیاسی محوری زمانه ما درآمده است. اندیشه و دستاورد قابل ملاحظه کنونی آن، تا قبل از جنگ جهانی دوم، چه در روابط بین‌الملل و چه در محیط فکری و سیاسی آن زمان، هیچ‌گونه جاپایی نداشت و یا جایگاه ناچیزی داشت. اما فاجعه انسانی جنگ جهانی دوم توسط آلمان نازی، شرایط جدیدی را برای پیدایش تعبیر تازه حقوق بشر فراهم ساخت که دفاع از تقدس هر فرد انسان را آسان‌تر کرد. از این تاریخ، اندیشه حقوق بشر در منشور سازمان ملل متحد که در سال ۱۹۴۵ انتشار یافت، گنجانده شد. گنجاندن اندیشه حقوق بشر در دل رژیم‌های بین‌المللی معاصر با تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۴۸ میلادی و سپس امضای معاهدات میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در سال ۱۹۶۶ میلادی و تا یک دهه پس از آن توسط اکثر کشورهای جهان، الزام آور شد. آمارها نشان می‌دهد تا سال ۲۰۰۵ میلادی تعداد ۱۴۰ دولت (از جمع ۱۹۱ دولت جهان) میثاق‌های بین‌المللی را امضا کرده بودند. در سطح کلی‌تر، همه دولت‌ها دست کم پای یکی از اسناد قانونی حقوق

بشر را امضا کرده‌اند. این معاهدات به شکل کامل رعایت نمی‌شود، ولی حتی آنان که در عمل به دلایل سیاسی منکر ارزش حقوق بشرند، گفتمان حقوق بشر را به خدمت می‌گیرند (گریفیتس، ۱۳۸۸: ۴۴۸-۴۴۷). در این میان غربی‌ها در خصوص حقوق بشر، به حقوق افراد در آزاد بودن از مداخلات دیگران، اهمیت بیشتری می‌دهند. حال آنکه در شرق، به حقوق اقتصادی و اجتماعی به نسبت حقوق مدنی و سیاسی اولویت داده می‌شود (ایوانز و نونام، ۱۳۹۱: ۳۵۲). اما در نهایت می‌توان گفت که حقوق بشر یعنی همه حقوق برای همه. همچنین نباید فراموش کرد که، چشم‌پوشیدن از حقوق بشر، بیش از آنکه منطقاً غیرممکن باشد، از لحاظ انسانی ویرانگر است.

۱-۲. اسلام: اسلام، یکی از سه دین بزرگ توحیدی جهان است. اسلام به فرقه‌هایی تقسیم می‌شود که مهم‌ترین آن‌ها شکاف میان سنی و شیعه است. همچنین اسلام در روابط بین‌الملل در دو سطح عمل می‌کند:

الف- در دولت: تعدادی از دولت‌ها را می‌توان براساس تعلق و وابستگی آن‌ها را به‌طور سنتی اسلامی خواند، خواه ترتیبات کلی آن‌ها مذهبی باشد، خواه عرفی، یکی از اشکال اساسی در تشخیص این مقوله عضویت در سازمان کنفرانس اسلامی است. در همین رابطه، دولت‌هایی که اسلام در آن تفوق دارد، این مسأله به رشد بازگشت به مبانی منجر شده است که معمولاً از آن با عنوان بنیادگرایی یاد می‌شود. این بنیادگرایی به دلیل فراملی‌گرایی ذاتی اسلام از مرزها فرا رفته و ماورای سرحدات را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

ب- در نظام دولتی: در این سطح، باتوجه به مرحله اول، واکنش‌های عمیقی به‌ویژه در غرب در برابر بنیادگرایی اسلامی شکل گرفته است. تصاویری از رهبری دولت‌های اسلامی به‌خصوص در ایران که مجهز به شمشیر جهاد هستند و همچنین تصویری از رویارویی اسلام و غرب، در سطحی وسیع‌تر ترسیم و ارائه می‌شود. در این بینش، هراس از تهدید نویسنده‌گان به مرگ، قتل، گروگان‌گیری، جنگ اقتصادی، تروریسم دولتی و جنگ میان دولت‌ها با سروصدا مطرح می‌شود. همچنین اسلام می‌تواند، شواهد استعار و امپریالیسم در یک دوره زمانی طولانی در عصر مدرن و

مداخله‌های دوران جنگ سرد به مقابله برخیزد (ایوانز و نونام، ۱۳۹۱: ۴۲۸-۴۲۶). در این راستا، معمولاً اعتقاد بر این است اسلام‌گرایی<sup>۱</sup> می‌تواند اسلام سیاسی نیز نامیده شود. چرا که این نقش سیاسی اسلام است که در کانون مهم‌ترین توجهات سیاسی قرار گرفته است. اسلام سیاسی فی‌نفسه و لزوماً در بسیاری از اصطکاک‌های بالقوه و موجود میان اسلام و غرب دخیل نیست ( فولر و لسر، ۱۳۸۴: ۱۱). در این میان، هرگونه بیان مذهبی و فرهنگی جهان اسلام را که می‌تواند با حقوق بشر غربی مورد مقایسه و تطبیق قرار گرفته و در نهایت منجر به گفتمان آن‌ها در پروژه امنیت جامع گردد، توجه قرار می‌گیرد.

۳-۱. غرب: مفهوم غرب از معانی متفاوتی برای افراد مختلف، در مقاطع زمانی گوناگون و در شرایط خاص برخوردار است. گاهی برخی از اندیشمندان هر آنچه را که به لحاظ فکری و فرهنگی به اروپا شبیه باشد، غرب می‌گویند و در جایی دیگر از تمدن‌های غرب و شرق و نیز کشورهای شرقی و غربی سخن به میان می‌آورند. در این رابطه گراهام فولر اندیشمند غربی می‌نویسد: ما خط گسله‌ای را که از نظر جغرافیایی بین جهان اسلام و جهان مسیحیت امتداد دارد، توجه قرار می‌دهیم، که در امتداد آن مسلمانان و مردم مغرب زمین با یکدیگر مواجه می‌شوند. سپس به سمت جنوب و به داخل آفریقا رفته و از منطقه بالکان و قفقاز عبور می‌کند و تا آسیای مرکزی، جایی که اسلام و روسیه با هم تلاقی می‌کنند، امتداد می‌یابد. (فولر و سر، ۱۳۸۴: ۱۵). در این تعریف کلیه کشورهایایی که آیین مسیحیت دارند، مورد توجه قرار گرفته است. اما مراد از غرب در تعبیر این پژوهش، علاوه بر جهان معنوی، به تمام کشورهایی که از لحاظ سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و استراتژیک رابطه‌ای نزدیک با اروپا داشته باشند، غرب گفته می‌شود. بنابراین کشورهایایی مانند اسرائیل و ایالات متحده هم غرب محسوب می‌شوند. آن‌ها در مجموع کمالات اخلاقی و مذهبی خود را رها نموده و فرهنگ مدرن و سکولار را جایگزین کردند، که در بحث اسامی ما در این پژوهش و به‌ویژه در حوزه حقوق بشر قرار دارد.

۴-۱. نظام بین‌الملل<sup>۲</sup>: این اصطلاح که از تحلیل نظام‌ها برگرفته شده،

1. Islamism

2. International system



در روابط بین‌الملل در دو زمینه توصیفی و تحلیلی تبیینی به کار می‌رود: الف- در توصیفی، اشاره به نظام دولتی دارد که در آن گروه‌ها و منافع درون آن خرده نظام تلقی می‌شوند و سیاست خارجی در مقابل بیرونی صورت می‌گیرد که نظام بین‌الملل است. در همین رابطه، در نظام بین‌الملل سنتی، تأکیدی خاص بر اهداف و سمت‌گیرهای قدرت‌های بزرگ صورت می‌گیرد. معمولاً دانشورانی که به نظام‌های بین‌المللی گذشته، حال و آینده می‌نگرند، دو فرایند بنیادی را در نظام تشخیص می‌دهند که عبارتند از تعارض و همکاری. دولت‌ها در تلاش برای مقابله با این فرایندهای نظام، درگیر رژیم‌آفرینی و نهادسازی شده‌اند. سازمان‌های بین‌المللی مانند جامعه ملل و سازمان ملل متحد و همتایان منطقه‌ای آن‌ها نمونه‌هایی از این تعریف می‌باشند. ب- در تحلیلی تبیینی، نظام بین‌الملل برای تعیین سطح مناسب تحلیل به کار گرفته می‌شود و تبیین‌ها باید با این سطح تحلیل هم‌خوانی داشته باشد. اندیشمندان این حوزه می‌گویند نظام بین‌الملل به شکل بنیادی رفتار کنش‌گران دولتی منفرد را در درون خود تعیین می‌کند. نخستین وظیفه تحلیل، کشف ویژگی‌های قانون گونه نظامی است که همه کنش‌گران منفرد باید به آن توجه کنند. در این تعریف از نظام، به دلیل سرشت آنارشیک آن، اغلب امنیت هدف اولیه دولت‌ها تلقی می‌شود (ایوانز و نونام، ۱۳۹۱: ۴۱۹-۴۱۸). این پژوهش با توجه به هدف خود از هر دو تعریف توصیفی و تحلیلی تبیینی توأمان در نظام بین‌الملل استفاده می‌کند.

**۵-۱. امنیت جامع:** امنیت در لغت، حالت فراغت از هرگونه تهدید یا حمله و یا آمادگی برای رویارویی با هر تهدید و حمله را گویند. در اصطلاح سیاسی و حقوقی، آن را به صورت امنیت فردی، امنیت اجتماعی، امنیت ملی و امنیت بین‌المللی به کار می‌برند که دست آخر امنیت جمعی و امنیت جامع را هم به آن اضافه کرده‌اند (آشوری، ۱۳۹۳: ۳۹-۳۸). در این رابطه تحلیل‌گران روابط بین‌الملل مدت‌هاست که برای دستیابی به یک نگرش واحد برای جلوگیری و حل منازعات از طریق همکاری و تعاون، بحث کرده‌اند. آن‌ها به دنبال آن بوده‌اند که در مسائل امنیتی فقط راه‌های نظامی مطرح نباشد. در این راستا هریک از نگرش امنیت

جامع، امنیت مشترک و امنیت دسته‌جمعی، مدافعی پیدا کرده‌اند. در امنیت جامع، گفته می‌شود که ذاتاً امنیت ابعاد چندگان‌های دارد. در آن صورت باید به ریشه‌های اختلاف سیاسی و دیپلماتیکی که در گذشته وجود داشته است، توجه نمود. در ضمن باید به مسائل دیگری مانند عدم توسعه اقتصادی، اختلافات تجاری، افزایش ناموزون جمعیت، نابودی محیط زیست، قاچاق مواد مخدر، تروریسم و نقض حقوق بشر نیز توجه کافی مبذول داشت (سیمبر و قربانی شیخ نشین، ۱۳۸۸: ۲۵۹-۲۵۸).

لذا با توجه به پروژه‌سازی امنیت جامع در جامعه جهانی، یکی از مسائل مورد توجه وجدی آن یعنی مباحث مربوط به حقوق بشر، در دیدگاه‌های متفاوت از جمله اسلام و غرب تحلیل گفتمانی خواهد شد که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

**۲. روش پژوهش:** این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و نیز استدلال‌های استقرایی و قیاسی ضمن بهره‌گیری از کتاب‌ها، مقالات و گزارش‌های مرتبط، به دنبال بررسی راهکار تحقق امنیت جامع در حقوق بشر می‌باشد.

**۳. چارچوب نظری پژوهش:** پژوهش حاضر در پیشبرد اهداف خود، توجه به نظریه سازه‌انگاری را در حوزه نظری لازم می‌داند، که در ادامه به آن پرداخته می‌شود:

**۳-۱. نظریه سازه‌انگاری در حقوق بشر:** سازه‌انگاری به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین نظریه‌های مطرح در روابط بین‌الملل در دهه گذشته، بیش از آن که به‌عنوان یک نظریه محتوایی مطرح باشد، نوعی فرآنظریه است که تمرکز آن بر بحث‌های سازه‌انگاری فردریش کراتوکویل ۱ (۱۹۸۹)، نیکولاس انف ۲ (۱۹۸۹)، آلکساندر ونت ۳ (۱۹۹۲) و جان راگی ۴ هستند. طبق نظریه آن‌ها، دنیای اجتماعی

1. Fredrich kratochwill
2. Nicholas onuf
3. Alexander wendt
4. John Ruggie

چیز خاص و معینی نیست، بلکه بیشتر زمینه‌ای بین‌ذهنی دارد. یعنی برای افرادی که آن را ساخته‌اند و در آن زندگی می‌کنند و آن را می‌فهمند، دارای معنی است. این ساختار توسط افراد در زمان یا مکان خاص ساخته شده یا شکل گرفته است. این نظریه پردازان، با آن دسته از پست‌مدرن‌ها همراهند که اعتقاد دارند چیزی به اسم حقیقت وجود ندارد. آن‌ها بر نقش عقاید و شناخت مشترک دنیای اجتماعی تأکید دارند (جکسون و سورنسون، ۱۳۹۳: ۳۰۵). همچنین سازه‌انگاران بر ساختار اجتماعی کنش دولت‌ها در سطح نظام بین‌الملل تمرکز می‌کنند. از دید سازه‌انگاران، کشورها هر آنچه را که مناسب و لازم می‌دانند، انجام می‌دهند. از این رو، کشورها را هنجارهایی هدایت می‌کنند که هویت‌های بازیگران اصلی در سیاست جهانی و قواعد رسمی و رویه‌های بازی بین‌المللی را تعریف می‌کنند (شیهان، ۱۳۸۸: ۲۲۶). اما به نظر ونت (از بنیانگذاران سازه‌انگاری) ساختار آن در سیاست بین‌المللی به نوعی دیگر و جمعی است. از نظر کاربرد خشونت، دارای حالت یا سمت‌گیری خاص خود نسبت به دیگری است که می‌تواند در سطح خرد به اشکال متعددی تحقق یابد. مثلاً حالت دشمنان (ایران و آمریکا در فرهنگ هابزی منطقه خاورمیانه) حالت متخاصمان، تهدیدگری هستند که هیچ حدّ و مرزی در خشونت بر ضدّ یکدیگر نمی‌شناسند. حالت رقبا (آمریکا، روسیه و چین)، حالت رقیبانی است که برای پیشبرد هدف‌های خود دست به خشونت می‌زنند، اما از کشتن و نابودی یکدیگر خودداری می‌کنند و حالت دوستان، حالت متحدانی (اروپا و ایالات متحده) است که برای حل و فصل اختلاف‌های خود از خشونت استفاده نمی‌کنند و در برابر تهدیدهای امنیتی (مانند ایران هسته‌ای) مانند یک تیم عمل می‌کنند. دولت در نظام‌ها و ساختارهایی که زیر سلطه یکی از این سه مقوله قرار گیرد، زیر فشار متناظر هستند تا آن نقش را در هویت‌ها و منافع خود درونی سازند. در این صورت، این معانی جمعی‌اند که به ساختارهای سازمان‌دهنده کنش، شکل می‌دهند (حق شناس، ۱۳۹۰: ۱۱۱). با این همه، اصلی‌ترین مسأله سازه‌انگاری در روابط بین‌الملل بُعد هستی‌شناسی آن است. آن‌ها اساساً کانون بحث را از معرفت‌شناسی به هستی‌شناسی منتقل کرده‌اند. استدلال آن‌ها هم این است که ایده‌ها، باورها و ارزش‌های مشترک نیز دارای ویژگی

ساختاری هستند و نفوذ زیادی بر کنش‌های اجتماعی و سیاسی دارند (قربانی شیخ‌نشین، ۱۳۹۱: ۵۴-۵۳). به این ترتیب، سازه‌نگاری در یک بُعد، هستی‌شناسی دولت‌محور جریان اصلی را می‌پذیرد (یعنی کنش‌گران اصلی را در جامعه بین‌الملل دولت‌ها و البته گاهی و شاید به بیان دقیق‌تر، افراد نماینده دولت‌ها می‌داند). اما در مورد نگاهی که به رابطه کنش‌گران به عنوان کارگزار با ساختار نظام بین‌الملل دارد، رهیافتی بینابینی اتخاذ و بر قوام متقابل کارگزار و ساختار تأکید می‌کند. از سوی دیگر، سازه‌نگاران در بررسی ساختار نیز آن را بر خلاف واقع‌گرایان در ابعاد مادی خلاصه نمی‌کنند و بر بُعد معنایی و زبانی ساختارها تأکید دارند و در عین حال، در اینجا نیز چارچوب معنامحور را نمی‌پذیرند و در کنار بُعد معنایی و غیرمعنایی، اهمیت ابعاد مادی را نیز مدنظر قرار می‌دهند (مشیرزاده، ۱۳۹۳: ۳۳۴). سخن اصلی این پژوهش، تحقیق بر روی همین ارتباط میان سازه‌نگاری در درون یک جامعه دینی (مانند اسلام)، با جامعه غیر دینی (سکولار غرب) است که می‌تواند محصول تعاملات بین‌ذهنی آن‌ها از درون جامعه‌شان باشد. از این نظر، سازه‌نگاری یک فرآیند است که با رویکرد جهان‌شمولی، ما را در این پژوهش به این سو می‌کشاند که بیش از تکیه به عوامل مادی، بر ایده‌هایی تمرکز کنیم که در درون جامعه‌های متفاوت، به‌ویژه اسلام و غرب، بر حقوق بشر تأثیر می‌گذارند.

#### ۴. یافته‌های پژوهش گاه‌علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

به این منظور برای تأیید یا رد فرضیه دلایلی آورده می‌شود، از جمله: حمایت از حقوق بشر ضامن صلح و تحکیم نظام بین‌المللی، انجام برخی از مذاکرات حقوق بشری اسلام و غرب بر روند صلح جهانی، مذاکرات سازمان‌های بین‌المللی در پیشبرد اهداف حقوقی بشر، همکاری سازمان‌های حقوق بشری با سازمان کنفرانس اسلامی، سازمان ملل و اتحادیه اروپا، که هر کدام از آن‌ها در تدوین هدف کاربردی این مقاله، به عنوان یافته‌های پژوهش تأثیر می‌گذارند. لذا تشریح این موضوعات در ارزیابی فرضیه تحقیق لازم خواهد بود:

#### ۴-۱. حمایت از حقوق بشر: ضامن بقای صلح و تحکیم نظام بین‌المللی

در یک نگاه کلی، ارتباط و نقش حقوق بشر در تقویت هرچه بیشتر صلح و امنیت، بین‌المللی قابل تأمل می‌باشد. اگر دقت داشته باشیم، عنصر کلیدی مفهوم سنتی امنیت، امنیت ملی است که ناظر بر امنیت نظامی کشورهاست. به همین منظور، چالشی که بر این مفهوم وارد می‌شود، این است که گاهی این تأکید بر مفهوم حاکمیت، خود موجب می‌شود که تهدیدی عمده علیه امنیت مردم آن کشور با سایر کشورها به شمار می‌آید. بنابراین، اگر امنیت را به صورت انسان‌مدارانه‌تری ارزیابی کنیم، حداقل جنبه‌ای که از آن به دست می‌آید، توجه بیشتر به حقوق بشر آن خواهد بود (Booth, 1991: 313-327). در این رابطه، عبارت « صلح و امنیت بین‌المللی » که در فصل هفتم منشور ملل متحد آمده (سازمان ملل متحد، ۱۳۸۸: ۶۷) می‌تواند با عبارت صلح و امنیت نوع بشر در ارتباط باشد، چون در آن از جنایت علیه صلح و امنیت بشر ذکر شده است. در واقع، در بیان صحیح از صلح، نمی‌توان آن را بدون عنصر حقوق بشر تعریف کرد و در عبارتی ساده، صلح نمی‌تواند باشد، اگر حقوق بشر نباشد. از این‌رو، در اعلامیه جهانی حقوق بشر و در حمایت از همه اعضای خانواده بشری، ضمن شناسایی کرامت ذاتی و حقوق برابر، از آن به عنوان مبنای آزادی، عدالت و صلح در جهان یاد می‌شود. عبارتهای مشابهی در بندهای نخستین مقدمه دو میثاق بین‌المللی حقوق بشر، و در سطح منطقه‌ای در سازمان امنیت و همکاری اروپا و در سند نهایی هلسینگی مورخ اول اوت ۱۹۷۵ به تصویب رسیده که در همه آن‌ها، اهمیت جهانی حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین، و احترام به عامل حیاتی صلح، عدالت و رفاه را لازمه روابط دوستانه و همکاری میان آن‌ها با سایر کشورها می‌دانند. بنابراین، حقوق بشر در ارتباط با صلح می‌تواند پذیرای دو نقش باشد: اول اینکه، از بروز درگیری‌های مسلحانه پیشگیری کرده، و دوم اینکه، ضامن بقای صلح باشد (وکیل، ۱۳۹۱: ۱۵۶). در همین راستا امروزه، اغلب مواردی که تهدیدی علیه صلح و ثبات بین‌المللی محسوب می‌شوند، ریشه در نقض جدی حقوق بشر دارند. بنابراین، منطقی است جامعه بین‌المللی به حمایت از حقوق بشر و پیشگیری از رخداد مناقشات، سمت و سویی تازه به خود بگیرد (وکیل، ۱۳۹۱:

۲۳۱). همچنین در ماده اول اعلامیه جهانی حقوق بشر اسلامی قاهره، همه دولت‌ها و جمعیت‌ها و افراد را به حمایت و دفاع از حقوق حیات و امنیت مکلف نموده است. در همین رابطه در آیات قرآنی، جامعه مسلمانان، به‌طور فراوان، از صلح و صفا و ایجاد آن در جامعه دستور اکید صادر شده است (جعفری، ۱۳۹۲: ۱۱۳). بنابراین، حمایت همه نهادها و سازوکارهای جهانی و منطقه‌ای از جمله سازمان کنفرانس اسلامی، سازمان ملل متحد، اتحادیه اروپا، آفریقا، آمریکای لاتین و ... از حقوق بشر می‌تواند ضمن پیشگیری از بروز درگیری‌ها، ضامن بقای صلح و تحکیم نظام بین‌المللی در جهان باشد. لذا، در این راه انجام مذاکرات پارلمانی نهادینه در سطح جهانی و منطقه‌ای راهکاری برای تحقق امنیت جامع باشد.

۲-۴. انجام برخی از مذاکرات حقوق بشری اسلامی و غرب بر روند صلح جهانی براساس بررسی‌های موجود این تحقیق، یک تمایز اساسی در نگاه حقوق بشری اسلام نسبت به حقوق بشر غرب وجود دارد. عمده این تمایزات براساس اهداف ترسیم‌شده در خصوص حکومت اسلامی است که مبتنی بر اصول انکارناپذیری در معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی و انسان‌شناسی است که در حکومت‌های غربی بدین شکل یافت نمی‌شود. اما در همین راستا هم می‌توان مشترکاتی از اهداف حکومت اسلامی با سایر حکومت‌ها را جستجو کرد. عمده این اشتراکات در حکومت اسلامی به اهداف مقدماتی (از سه هدف عالی، میانی و مقدماتی در اسلام) برمی‌گردد. اهداف مقدماتی در اسلام براساس بررسی‌های نگارنده این پژوهش، اهدافی در حکومت اسلامی هستند که در صورت پیگیری می‌تواند در تعامل و مذاکره حقوق بشری با غرب تأثیر مثبتی بر روند صلح در جامعه جهانی گذاشته باشد. این اهداف در حکومت اسلامی شامل: دفاع از جان، مال و آبروی افراد- تأمین نظم، امنیت، رفاه و آسایش شهروندان- حمایت از محرومان جامعه، تأمین و احیای آزادی‌های مشروع، حمایت از حریم خانواده و گسترش سلامت و بهداشت می‌باشد (شبان نیا، ۱۳۸۹: ۲۶-۲۹). پیگیری این اهداف در حکومت‌های اسلامی با برخی از اهداف حقوق بشری غرب، به‌ویژه در نسل دوم (حقوق رفاهی) و یا نسل سوم (حقوق همبستگی)

منجر به مذاکراتی می‌شود که می‌تواند تأثیر مثبتی بر صلح جامعه جهانی گذاشته باشد. لزوماً پیگیری این موضوعات در سطح بین‌المللی، گفتمان نظری را به وجود نخواهد آورد اما می‌تواند در عمل منجر به مذاکرات وسیع جهان اسلام با غرب شود که نتیجه آن صلح جهانی خواهد بود. بر این اساس، در سطح جهان بین کشورهای اسلامی با غرب در خصوص حقوق بشر موارد زیر قابل مذاکره می‌باشد:

**الف- حمایت از گروه‌های خاص:** برخی گروه‌های اجتماعی وجود دارند که برای رسیدن به حقوق برابر با دیگران، نیازمند برخی حمایت‌های خاص هستند. این نیازمندی‌ها باعث شده تا در سطح جهان با برنامه‌ریزی دقیق در جهت رفع نابرابری‌ها و تعالی و ارتقای وضعیت این گروه‌ها، گام‌هایی برداشته شود. بنابراین، اسنادی در حوزه حقوق کودکان، حقوق زنان، حقوق اقلیت‌ها، حقوق پناهندگان و حقوق معلولان در عرصه بین‌المللی با نگرش و رویکرد جبران‌ساز امضاء شده (هکی، ۱۳۸۹: ۱۱۰)، که حمایت همه کشورهای از جمله کشورهای اسلامی را می‌طلبد. لذا لازم است در این خصوص بین کشورهای اسلامی با کشورهای حامی حقوق بشر بین‌المللی به ویژه غرب مذاکراتی صورت گیرد تا به صلح جهانی کمک نماید.

**ب- حمایت از صلح:** در ارتباط با صلح و حقوق بشر باید گفت، صلح به عنوان حق بشری است. از این‌رو، ارتقای حقوق بشر، بستر مناسب در جهت ایجاد عوامل کارآمدی است که منجر به تحقق صلح می‌شوند (Falk, 1995: 43). در همین رابطه، گفته می‌شد که بنای اجتماعی جنگ به خیلی از موقعیت‌های خشن زندگی روزمره، مانند فقر، گرسنگی و اشکال مختلف خشونت ارتباط پیدا می‌کند. لذا از این به بعد باید به صلح مثبتی برسیم که به حذف خشونت و فرهنگ نظامی‌گری می‌پردازد (Goldstein, 1992: 138-139). در اسلام نیز از صلح به‌عنوان یکی از مبانی اساسی چارچوب حقوقی خود از آن پشتیبانی می‌نماید. در بیش از یک‌صد آیه از واژه سلام و مشتقات آن ذکر شده، حال آن‌که واژه جنگ تنها در شش آیه می‌باشد (وکیل، ۱۳۹۱: ۲۷). بنابراین، برای رسیدن به چنین صلحی که حق همه بشریت است، نیازمند مذاکرات و حمایت همه‌جانبه تمام جهان‌بینی‌های متفاوت دنیا از جمله اسلام است که خود منادی صلح در جهان می‌باشد.

### ج- حمایت از حقوق بشردوستانه: حقوق بشردوستانه به مجموعه

قواعدی گفته می‌شود، که خشونت را در شرایط جنگی محدود می‌کند (گویین وود، ۱۳۸۷: ۱۹). از این رو، حمایت از غیرنظامیان، بیماران، مجروحین و اسیران در شرایط جنگی، اساس قواعد حقوق بشردوستانه را شکل می‌دهد. در این رابطه کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو در سال ۱۹۴۹ و پروتکل‌های الحاقی آن در سال ۱۹۷۷ مهم‌ترین منابع بین‌المللی آن می‌باشند (Roberts and Guelff, 2004, 49). در چنین شرایطی، اگر قبول کنیم که اصولاً جنگ پدیده‌ای ضد حقوق بشری است. در صورت وقوع جنگ به هر علتی، بهتر آن است که قواعدی وجود داشته باشد تا حتی در شرایط جنگی نیز، بتوان دردها و رنج‌های بشری را کمتر کرد. لذا حمایت از حقوق بشردوستانه و مذاکره در این خصوص در سراسر جهان حق بديهی جامعه بشری است، که کشورهای جهان از جمله کشورهای اسلامی و غربی می‌توانند با و ورود به چنین مذاکراتی در شرایط جنگی، به روند صلح جهانی کمک کنند.

### د- حمایت از محیط زیست: حمایت از محیط زیست، یک حمایت و

همبستگی جهانی را می‌طلبد. هم‌اکنون، محیط زیست با حقوق بشر (در نسل سوم) به هم نزدیک شده‌اند. قواعد حقوقی مدرن بر این نکته تأکید دارد که یکی از حقوق اساسی بشر عبارت از حق زیست در محیطی سالم و پاکیزه است. یک محیط آلوده سبب نقض اساسی حقوق بشر می‌شود و همچنین منجر به فقر و تنزل مقام انسان خواهد شد (Joyner, 2005, 219). بنابراین، همه کشورهای جهان باید برای حمایت از منابع طبیعی و منابع غیرقابل تجدید، حفاظت و مدیریت عادلانه میراث حیات وحش، جلوگیری از تخلیه مواد سمی، جلوگیری از آلودگی دریاها و نابودی تشعشعات هسته‌ای و مبارزه با اثرات آن بر اساس اعلامیه استکهلم، ریو و بروکسل به حقوق جهانی محیط زیست احترام بگذارند (هکی، ۱۳۸۹: ۱۹۰-۱۸۸). از این رو، مسئولیت حفظ و بهبودی محیط زیست برای نسل حاضر و نسل‌های آینده بر عهده همه کشورها می‌باشد. لذا کشورهای جهان از جمله اسلام و غرب صنعتی (که مانع عمده تحقق حقوق بشر در حوزه زیست محیطی است)، باید با روحیه و بینش مشارکت جهانی، مذاکره و همکاری در زمینه محیط زیست را داشته باشند. در این



صورت، به روند صلح جهانی کمک خواهد شد. در پایان این موضوع باید اشاره کرد، علاوه بر موضوعات چهارگانه فوق می‌توان در زمینه‌های میراث مشترک بشریت، حقوق کار، حقوق تأمین اجتماعی، توسعه انسانی، دولت رفاه، حق توسعه، انتخابات، حکومت قانون، دموکراسی، جامعه مدنی و ... هم مذاکراتی در سطح جهانی از جمله بین کشورهای اسلامی با کشورهای غربی انجام داد، اما با توجه به نوع نگاه متفاوت آن‌ها در جهان بینی‌شان نمی‌توان به مذاکراتی در این حوزه‌ها امیدوار بود.

### ۳-۴. حقوق بشر سازمان‌های بین‌المللی: راهکاری برای تحقق امنیت جامع

بسیاری از رویدادهای پدید آمده در نظام بین‌المللی کنونی متأثر از چند موضوع می‌باشد. در این رابطه، نظام و ستفالی، جنگ‌های جهانی اول و دوم، جنگ سرد، نظام اقتصاد کمونیستی، بازار آزاد، ارتباطات، بازرگانی جهانی و رویدادهای تروریستی به شدت در چیدمان روابط بین‌المللی و موضوعات مربوط به انسان و بشریت تأثیر گذاشته است. در این چیدمان، اقتصاد و بازرگانی، ارتباطات و اطلاعات، فن‌آوری و صنعت، دادگستری، زور و قدرت و مانند این‌ها در حلقه مفاهیمی مانند تأمین سعادت بشری انسان‌ها، کرامت انسان‌ها و احترام به حقوق بشر تعریف شده است. بر این مبنای اصلاحات در سازمان ملل متحد، گسترش داد و ستد جهانی، منع تکثیر سلاح‌های کشتار جمعی و هسته‌ای، رویارویی با تروریسم، استفاده از فن‌آوری ارتباطی و اطلاعاتی، فعالیت شرکت‌های بازرگانی، حمایت از محیط زیست، پیشرفت و توسعه پایدار و ... براساس تأثیر آن‌ها بر میزان تأمین حقوق همه افراد بشر مورد ارزیابی قرار می‌گیرند (Whitman, 1999: 67). در این تحول و تکامل در روابط بین‌الملل، در عرصه بین‌المللی نیاز به یک اجماع جهانی در قرن بیست و یکم داریم، تا به هنگام نقض حقوق بشر واکنش‌های جهانی در آن به وجود بیاید. این، در صورتی اتفاق خواهد افتاد که سازوکارهای بین‌المللی و منطقه‌ای در پرتو همین ارتباطات بین‌المللی، به همبستگی بین‌المللی و وجدان دسته‌جمعی در هنگام نقض حقوق بشر برسند. در اینجا، با توجه به موضوع پژوهش، انجام مذاکراتی در سطح سازمان‌های بین‌المللی، همچون سازمان ملل متحد و یا سازمان همکاری اسلامی

برای رسیدن به اجماع جهانی، یکی از راهکارهای تحقق امنیت جامع در نظر گرفته می‌شود، که در ادامه به آن می‌پردازیم:

### ۱-۳-۴. نقش حقوق بشر سازمان ملل متحد در امنیت جامع

در زمینه حقوق بشر، اولین اقدامی که سازمان ملل انجام داد، تنظیم استانداردهای بین‌المللی برای رعایت حقوق بشر بود (پک، ۱۳۸۱: ۱۳۷). در این راستا، از دستاوردهای بزرگ سازمان ملل متحد، ایجاد مجموعه‌ای از قوانین حقوق بشر، یعنی قانونی که مورد حمایت همگانی و بین‌المللی قرار گیرد و همه ملت‌ها بتوانند آن را بپذیرند و همه مردم بتوانند به آن بپیوندند. این سازمان مجموعه‌ای گسترده از حقوق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و مدنی بین‌المللی را تدوین و سازوکارهایی برای ترویج حمایت از این حقوق و کمک به دولت‌ها برای اجرای مسئولیت‌های خود به وجود آورده است. بنیاد و اساس این مجموعه قوانین، منشور ملل متحد و اعلامیه جهانی حقوق بشر است که به ترتیب در سال‌های ۱۹۴۵ و ۱۹۴۸ به تصویب مجمع عمومی رسیدند. سازمان ملل از آن زمان قوانین حقوق بشر را به تدریج گسترش داد تا معیارهای ویژه برای زنان، کودکان، معلولان، اقلیت‌ها، کارگران مهاجر و سایر گروه‌های آسیب‌پذیر را دربرگیرد که اینک حقوقی دارند که از آنان در برابر روش‌های تبعیض‌آمیزی که مدت‌ها در جوامع بسیاری رایج بودند، حمایت می‌کند (سازمان ملل متحد، ۱۳۸۸: ۲۲۷). البته ناگفته نماند که سازمان ملل یک نهاد سیاسی است و سیاست‌های پیچیده نظام بین‌المللی، همچون سیاست‌های مربوط به حقوق بشر را هم منعکس می‌کند. این سازمان، معمولاً به دلیل نفوذ قدرت‌های بزرگ، دامنه اختیاراتش کم و منابعش محدود می‌باشد. اما با همه ضعف‌هایش، نمایانگر نگرانی جهان در مورد حقوق بشر است و بر آن تأکید دارد (هنکین، ۱۳۸۳: ۱۰۴). توجه به نقش سازمان ملل افزایش یافته است، «به ویژه افزایش شمار کشورهای عضو سازمان و به نسبت آن افزایش شمار کشورهای کئوانسیون‌های حقوق بشر را تصویب نموده‌اند (این موضوع) نشان‌دهنده اعتماد کشورها به سازمان ملل متحد برای حمایت و ضمانت حقوق بشر است.» (ذاکریان،

۱۳۹۲: ۱۲۰). بر این اساس، به‌عنوان نمونه شورای امنیت یکی از ارگان‌های سازمانی ملل متحد است که به‌دنبال حمایت از امنیت بشری، مسئولیت اولیه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را به‌عهده دارد. این شورا، در استفاده از زور و تحریم‌ها در برابر نقض حقوق بشر، از حمایت اکثر کشورهای جهان برخوردار است. آنچه که روشن است، دو موضوع حقوق بشری به‌طور ویژه وارد مباحث شورای امنیت شده است: الف- جنایت علیه بشریت، که شورا در هنگام نقض فاحش حقوق بشردوستانه و حقوق بشر وارد عمل می‌شود. مانند پرونده‌های بالکان، رواندا، لیبی، سوریه و ... ب- حق حمایت و مسئولیت حمایت، به این معنی که اگر کشوری نتواند و یا نخواهد از شهروندانش حمایت بکند، جامعه بین‌المللی می‌تواند و مسئولیت حمایت از آن را داراست. از ارگان‌های دیگر سازمان ملل متحد؛ مجمع عمومی است که فعالیت‌های قابل توجهی در حمایت و توسعه حقوق بشر انجام می‌دهد- شورای اقتصادی و اجتماعی، که با صدور آراء مشورتی، انجام مطالعات، صدور قطعنامه و ... در توسعه و ارتقای حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همگان نقش موثری دارد- کمیسیون حقوق بشر، یکی از کمیسیون‌های تابعه شورای اقتصادی و اجتماعی بود که از سال ۲۰۰۶ جای خود را به شورای حقوق بشر داد- شورای حقوق بشر، در برگیرنده کمیسیون حقوق بشر سابق و شورای حقوق بشر فعلی است که در کانون نهادهای حقوق بشر مبتنی بر منشور ملل متحد قرار دارد و متشکل از ۴۷ کشور عضو همه‌قاره‌ها است. بر پایه دستورالعمل آن، همه کشورهای عضو سازمان ملل متحد باید طی جلسه‌ای معین، گزارشی از وضعیت حقوق بشر خود را ارائه و نیز گزارش و پرسش سایر کشورها و سازمان‌های مردم‌نهاد را گرفته و آن‌گاه گزارش نهایی از وضعیت حقوق بشر کشور مربوطه تهیه و تصویب شود تا ثابت کنند نظارت بر حقوق بشر را جهان شمول کرده‌اند- دبیرخانه، که شخص دبیر کل به‌عنوان مسئول اقدامات و فعالیت‌های سازمان ملل متحد بر حقوق بشر نقش بسیار مهمی در آن ایفا می‌کند- کمیساریای عالی حقوق بشر، که مرجع عملی حقوق بشر در سازمان ملل متحد است و دارای وظایف اساسی زیر می‌باشد؛ ترویج اصل جهان‌شمول حقوق بشر، حمایت از حقوق بشر در سطوح ملی و بین‌المللی، تسهیل همکاری‌های

بین‌المللی در حقوق بشر، هماهنگی و تشویق به تصویب و اجرای استانداردهای بین‌المللی حقوق بشر، کمک به توسعه و حمایت از ارگان‌های حقوق بشری، پاسخ به نقض‌های جدید، اقدام پیشگیرانه (دیپلماسی پیشگیرانه)، ارائه آموزش، خدمات اطلاع‌رسانی و همکاری‌های تکنیکی در زمینه حقوق بشر. در آخر هم می‌توان گفت که با توجه به اهمیت رعایت حقوق بشر در هزاره جدید و جایگاه آن در تحکیم صلح و امنیت بین‌المللی، همچنین ارتباط دو مقوله حقوق بشر و صلح بین‌المللی که امروزه در ارتباط متقابل با یکدیگر محسوب می‌شوند، نقش ارگان کمیسیاریای عالی حقوق بشر که در این زمینه فعالیت می‌کند، برجسته‌تر می‌باشد (ذاکریان، ۱۳۹۲: ۱۴۰-۱۲۰). از این‌رو، بین‌المللی‌سازی حقوق بشر، نیازمند همکاری همه کشورهای جهان، از جمله کشورهای اسلامی است تا بتواند به‌عنوان عامل ضروری برای پیشبرد حقوق بشر در سطح جهان عمل نماید. بنابراین، وجود سازمان ملل متحد و مجموعه ارگان‌هایش و رابطه‌ای که با حکومت‌ها و نهادهای غیردولتی دارند و نیز فعالیت‌های گوناگونش، به تشویق احترام جهانی نسبت به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی و رعایت آن‌ها کمک کرده است.

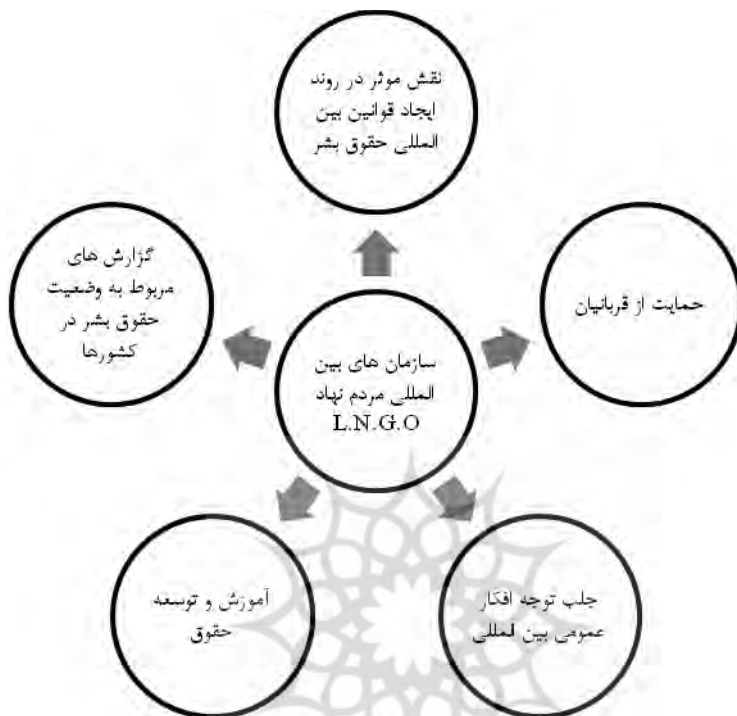
با این توضیح، پژوهش حاضر به این نتیجه می‌رسد که، مذاکرات حقوق بشری سازمان ملل متحد در کنوانسیون، میثاق‌ها و قطعنامه‌ها یکی از راهکارهای تحقق امنیت جامع در سطح جهان می‌باشد.

## ۲-۳-۴. نقش حقوق بشری سازمان‌های بین‌المللی مردم‌نهاد در امنیت جامع

سازمان‌های بین‌المللی غیرحکومتی یا مردم‌نهاد مانند عفو بین‌الملل، دیده‌بان حقوق بشر، قلم، شورای جهانی کلیساها، فدراسیون بین‌المللی حقوق بشر، کمیسیون بین‌المللی حقوق‌دانان، انجمن جهانی روزنامه‌نگاران و ... که در زمینه‌های مختلف حقوق بشر فعالیت می‌کنند، از جمله نهادهای بین‌المللی هستند که در هزاره جدید اهمیت یافته (ذاکریان، ۱۳۹۲: ۱۴۵) و نقش آن‌ها در مذاکرات بین‌المللی حمایت

از حقوق بشر مثبت تلقی می‌شود. یکی از دلایل توجه به این سازمان‌ها، به‌ویژه در نزد جامعه اسلامی این است که (معمولاً) دیگر متهم به ابزار کاپیتالیسم یا جاسوسان ایالات متحده و انگلیس و... نیستند. همچنین به دلیل ورود به مباحث مربوط به جامعه مدنی، حمایت از حقوق بشر، حق توسعه در سطح ملی و بین‌المللی و فعالیت‌های انسان‌دوستانه در سراسر دنیا، اگر چه به‌عنوان یک ارگان رسمی کمیته حقوق بشر در قطعنامه‌های سازمان ملل مشارکت ندارند، اما توانستند به عنوان سازمان‌های مردم‌نهاد بین‌المللی جایگاه خاصی را در ادبیات حقوق بشر مخصوصاً در چگونگی ارتباط سازمان ملل متحد با مسائل حقوق بشر داشته باشد. نقش اصلی این سازمان‌ها در جلب توجه افکار عمومی بین‌المللی به نقض حقوق بشر، ارائه گزارش‌های دوره‌ای و سالانه در مورد وضعیت حقوق بشر کشورها، تمرکز و سعی در ایجاد هنجارهای نوین بین‌المللی، ایجاد ارتباط بین نسل‌های مختلف حقوق بشر، شرکت در فرآیند قانون‌گذاری بین‌المللی حقوق بشر در سازمان ملل متحد و خلق عرف بین‌المللی از جمله فعالیت‌های عملی این سازمان‌ها در حمایت از حقوق بشر است. همچنین در تحقق شعارهای جهان‌شمولی و ارتباط متقابل حقوق بشری نقش موثری دارند (ذاکریان، ۱۳۹۲: ۱۴۷-۱۴۶). بنابراین، چنین سازمان‌هایی ضمن توسعه و احترام نسبت به حقوق بشر، موجب همبستگی بین بشریت و دفاع از حقوق بشر در سطح عمومی و گسترده در جامعه بین‌المللی شده‌اند. در این صورت، سازمان‌های بین‌المللی مردم‌نهاد با توجه ویژه به حقوق بشر در دنیا و اهداف جمعی آن در ارتباط با روابط همه جهان‌بینی‌های جهان از جمله اسلام و غرب، می‌تواند به عنوان یکی از راهکارهای تحقق امنیت جامع در این پژوهش مورد تأیید قرار گیرد. در این رابطه، شکل (۴-۱) نقش فعال و موثر سازمان‌های بین‌المللی مردم‌نهاد را در زمینه حقوق بشر نشان می‌دهد:

شکل ۴-۱: نقش سازمان های بین الملل مردم نهاد در حقوق بشر



منبع: (ذاکریان، ۱۳۹۲: ۱۴۷)

#### ۴-۴. حقوق بشر سازمان های منطقه ای: راهکاری برای تحقق امنیت جامع

یکی از پدیده های دوره پس از پایان جنگ جهانی دوم، تشکیل سازمان های منطقه ای بوده است. در این رابطه منشور ملل متحد طی مواد ۵۲ الی ۵۴ (فصل هشتم ترتیبات منطقه ای) تشکیل سازمان های منطقه ای را برای انجام امور مربوط به حفظ صلح و امنیت بین المللی را مطرح و رابطه آن ها را با سازمان ملل متحد تبیین کرد. با آن که نزدیکی جغرافیایی در کنار مجموعه عوامل اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی کشورهای عضو هر سازمان شاخص اصلی در تشخیص ماهیت منطقه ای آن گردید، اما به سازمان های دیگر هم که اعضای آن از نظر جغرافیایی نزدیک

نبودند و حتی در قاره دیگر قرار داشتند، سازمان منطقه‌ای اطلاق شد (مصفا، ۱۳۷۶: ۸۰۶-۸۰۵). با این مقدمه، سازمان کنفرانس اسلامی، اتحادیه اروپا و یا آ.سه. آن هم جزو سازمان‌های منطقه‌ای قرار خواهند گرفت. در این میان سازمان کنفرانس اسلامی با محوریت دین و با ۵۷ کشور در چهار قاره جهان (گل‌افروز و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۹) شاید از نظر عده‌ای به‌طور کامل منطقه‌ای نباشد، اما در این پژوهش به دلیل تعریف ارائه شده (به ویژه در قسمت آخر آن) در ردیف سازمان منطقه‌ای قرار گرفته است. و از آنجا که در این پژوهش از آن به‌عنوان راهکار تحقق امنیت جامع یاد برده می‌شود، در کنار اتحادیه اروپا به‌عنوان سازمان‌های منطقه‌ای تأثیرگذار در حقوق بشر، و در صلح و امنیت جهان به بررسی آن‌ها پرداخته می‌شود.

#### ۱-۴-۴. نقش حقوق بشری سازمان کنفرانس اسلامی در امنیت جامع

از تحولات موثر در هزاره جدید، افزایش سازوکارهای منطقه‌ای حمایت از حقوق بشر است. وجود ترتیبات مختلف منطقه‌ای مانند اعلامیه حقوق بشر اسلامی که از دل سازمان کنفرانس اسلامی بیرون آورده شد، بیان‌گر اهمیت یافتن موضوعی به نام حقوق بشر نزد فرهنگ‌ها و ملت‌ها در مناطق مختلف جغرافیایی است (ذاکریان، ۱۳۹۲: ۱۴۱). سازمان کنفرانس اسلامی که بزرگ‌ترین سازمان منطقه‌ای (مصفا، ۱۳۷۶: ۸۰۹) است، در سال ۱۹۶۹ میلادی تأسیس شده (عزتی، ۱۳۹۰: ۱۵۷). و تنها سازمان بین‌المللی است که محور تأسیس آن دین بوده است (عزتی، ۱۳۹۰: ۱۶۰). هم‌اکنون اعضای سازمان کنفرانس اسلامی، حدود یک سوم اعضای سازمان ملل متحد و بالطبع مجمع عمومی را تشکیل می‌دهند (سازمان ملل متحد، ۱۳۸۸: ۲۹۸-۲۹۳). براساس بررسی‌های به‌عمل آمده، تنها برخی از کشورهای عضو مانند عربستان، ترکیه، ایران، اندونزی، مالزی و چند کشور دیگر از وضعیت اقتصادی به نسبت مناسبی برخوردارند، ولی بقیه در ردیف کشورهای در حال توسعه و یا در حداقل توسعه قرار دارند. اما این کشورها از نظر تعداد - در صورت هماهنگی داشتن - برای به تصویب رساندن تصمیم‌های خود در مجمع عمومی سازمان ملل از امکان مناسبی برخوردارند. از طرفی هم، به دلیل این که آن‌ها با سایر کشورهای

قاره خود نیز منافع مشترکی دارند، بنابراین، میزان قدرت آن‌ها در تصمیم‌گیری‌های سایر ارکان سازمان ملل، به‌ویژه در حوزه حقوق بشر، مهم تلقی می‌شود. در حال حاضر، با داشتن چنین جایگاهی و همچنین با داشتن جمعیتی در حدود یک و نیم میلیارد نفر و در وسعتی بیش از ۳۱ میلیون کیلومتر مربع که بخش بزرگی از گستره کره زمین را در بر گرفته اند (آیسیکو، ۱۳۸۷: ۱)، می‌تواند در معادلات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جایگاه و شأن متناسب با خودشان را پیدا کند.

در زمینه حقوق بشر، کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی در مقدمه منشور این سازمان، تعهدشان را نسبت به منشور ملل متحد و حقوق اساسی بشر که مقاصد و اصول آن، زمینه را برای همکاری ثمربخش میان تمام مردم جهان را فراهم می‌آورد، اعلام کرده‌اند (عزتی، ۱۳۹۰: ۱۵۹-۱۵۸). لذا، تلاش کشورهای عضو آن براساس اصول پنج گانه خود، به‌ویژه حل و فصل از طریق راه‌های مسالمت‌آمیز و پرهیز از تهدید، برای تحقق اهداف هفت‌گانه خود، از جمله اتخاذ اقدامات لازم برای حمایت از صلح و امنیت بین‌المللی، برای از بین بردن تبعیض نژادی، و افزایش همکاری با کشورهای غیرعضو (آیسیکو، ۱۳۸۷: ۱۴-۱۳)، در جهت روند تحقق امنیت جامع و نیز احترام به حقوق بشر در سطح جهان راهکار منطقه‌ای حائز اهمیتی است. به این ترتیب، در همکاری با سازمان کنفرانس اسلامی در سطح بین‌المللی، گام عملی و جدی در جهت آغاز روندی برداشته می‌شود که به تشکیل امنیت جامع می‌انجامد.

#### ۲-۴-۴. نقش حقوق بشری اتحادیه اروپا در امنیت جامع

اتحادیه اروپا در میان خیل نهادها و سازمان‌های منطقه‌ای و جهانی، موقعیت ممتاز و یگانه‌ای دارد. حیات سیاسی آن در دو دوره متمایز دوران جنگ سرد، و پس از آن در قالب معاهده ماستریخت در سال ۱۹۹۲ تقسیم‌بندی شده است. از آن سال، گام‌های بلندی به سوی توسعه و تعمیق هم‌گرایی برداشته شده، گسترش مرزهای جغرافیایی اتحادیه به سمت جمهوری‌های اروپای مرکزی و شرقی، تشکیل اتحادیه پولی و مالی در قالب پول واحد اروپایی (یورو) در این راستا بود. افزون بر این، سران اروپا با هدف توسعه نهادی اتحادیه و نیز تقویت نقش بین‌المللی آن، اقدام به تشکیل



نهاد نمایندگی سیاست خارجی و امنیتی مشترک نمودند، تصمیمی که در جریان نشست ماستریخت گرفته شد و پس از معاهده آمستردام (۱۹۹۷) به مرحله اجرا درآمد. هم‌اکنون، این سازمان منطقه‌ای با حضور و نقش جهانی خود، بلوک تجاری قدرت‌مندی است که دارای روابط اقتصادی گسترده با قدرت‌های بزرگ اقتصادی هم‌چون ایالات متحده، ژاپن، چین و هند می‌باشد. این اتحادیه با ۲۰ درصد واردات و صادرات جهانی به موازات توانمندتر شدن تدریجی نفوذ و قدرت اقتصادی خود در نظام بین‌الملل، تلاش می‌کند تا به یک بازیگر سیاسی موثر در سیاست بین‌الملل هم تبدیل شود. نقش و مشارکت موثر اتحادیه اروپا در بسیاری از بحران‌های بین‌المللی، مانند صلح خاورمیانه، فعالیت‌های هسته‌ای ایران، کره شمالی، مناقشه روسیه و ... به خوبی بیانگر نفوذ بین‌المللی آن در جهان امروز می‌باشد (قوام و کیانی، ۱۳۹۰: ۱۹-۱۷). در شرایط فعلی ۲۷ کشور عضو اتحادیه اروپایی (خالوزاده، ۱۳۹۰: ۲۸۴)، به‌طور کلی اهمیت زیادی به مبحث حقوق بشر، ارتقای دموکراسی و برقراری حاکمیت قانون در تنظیم روابط خود با کشورهای ثالث می‌دهند. در واقع در کلیه موافقت‌نامه‌های همکاری اقتصادی- تجاری اتحادیه اروپا با کشورهای دیگر، بند رعایت حقوق بشر وجود دارد. اولین سند اتحادیه اروپا در خصوص تدوین استراتژی حقوق بشر در سال ۱۹۹۵ می‌باشد. در همین رابطه، دومین سند در گزارش پیشنهادی کمیسیون روابط خارجی، در خصوص ارتقای نقش اتحادیه اروپا در امور حقوق بشر و دمکراتیزه کردن در کشورهای ثالث در مورخ ۲۳ مه ۲۰۰۶ مورد تصویب آن اتحادیه قرار گرفت و مقرر گردید سیاست اتحادیه در روابط خارجی بر اساس موضوع حقوق بشر تنظیم شود. حوزه فعالیت کمیسیون در این خصوص عبارت است از:

ارتقای سیاست‌های با ثبات و منسجم در حمایت از موضوع حقوق بشر و دموکراسی در سیاست‌های اتحادیه اروپا و نیز در سیاست‌های کشورهای عضو. دادن ارجحیت به مسئله حقوق بشر و ارتقای دموکراسی در روابط با کشورهای ثالث عمدتاً از طریق دیالوگ سیاسی و کمک‌های خارجی.

تصویب یک دیدگاه استراتژیک نسبت به موضوع ابتکارات اروپایی برای ارتقای دموکراسی و حقوق بشر در کشورهای ثالث (خالوزاده، ۱۳۹۰: ۲۴۵).

همچنین در راستای موفقیت نظام اروپایی حمایت از حقوق بشر به ویژه شکایت افراد از دولت‌ها به دادگاه اروپایی حقوق بشر واقع در استراسبورگ (ذاکریان، ۱۳۹۲: ۱۴۲) اهمیت این اتحادیه در خصوص صلح و امنیت جهانی بیشتر هم شده است. در این صورت، با توجه به اهمیت رعایت حقوق بشر در هزاره جدید و جایگاه آن در تحکیم صلح و امنیت بین‌المللی و همچنین ارتباط دو مقوله حقوق بشر و صلح بین‌المللی، که امروزه در ارتباط متقابل با یکدیگر می‌باشند، سازوکارهای منطقه‌ای و مذاکرات پارلمانی اتحادیه اروپا در حمایت از حقوق بشر، بیان‌گر موفقیت این روند در اروپا است. براین اساس، اتحادیه اروپا به عنوان کارآمدترین سازمان منطقه‌ای در خصوص حمایت از حقوق بشر، نقش اساسی در صلح و امنیت جهان را دارد. بنابراین، سازوکارهای منطقه‌ای و جهانی این اتحادیه یکی از راهکارهای تحقق امنیت جامع و موضوع این پژوهش می‌باشد.

#### ۴-۵. انجام مذاکرات نهادینه سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای برای تحقق امنیت جامع

باتوجه به فعالیت‌های حقوق بشری مطرح شده در سازمان‌های بین‌المللی هم‌چون سازمان ملل متحد و سازمان‌های بین‌المللی مردم‌نهاد، و نیز سازمان‌های منطقه‌ای مانند سازمان کنفرانس اسلامی و اتحادیه اروپا، در جهت ایجاد صلح و امنیت بین‌الملل، اکنون پژوهش حاضر به دنبال راهکاری برای تحقق نظریه امنیت جامع و در نهایت نزدیکی دیدگاه اسلام و غرب می‌گردد. به این منظور، هریک از سازمان‌های فوق با گفتگوهای حقوق بشری خود به عنوان یک ابزار سیاست خارجی، آمادگی خود را برای همکاری با مقررات و سازوکارهای سازمان ملل در قالب مذاکرات مشخص کرده‌اند. در این راستا، برخی از همکاری‌هایی که زمینه عملی برای تحقق امنیت جامع لازم است، آورده می‌شود و زمینه‌های همکاری سازمان‌های منطقه‌ای یعنی سازمان کنفرانس اسلامی و اتحادیه اروپا با سازمان‌های جهانی مانند سازمان ملل متحد، برای انجام مذاکرات نهادینه در موارد زیر مطرح خواهد شد:

## ۱-۵-۴. همکاری سازمان کنفرانس اسلامی با سازمان ملل متحد

به‌طور کلی، جهان مذهب و جهان حقوق بشر همیشه به راحتی هم‌زیستی نداشتند. مذهب (از جمله دین اسلام) به‌عنوان یک ایدئولوژی خودکفا با حقوق بشر جهانی (و غربی) سازگاری ندارد (هنکین، ۱۳۸۳: ۱۱۲). اما با توجه به آن‌که همواره ارزیابی تمهیدات منشور ملل متحد در عمل برای محققان سازمان‌های بین‌المللی علاقه تحقیقاتی بوده است، لذا پیگیری همکاری سازمان ملل متحد با سازمان کنفرانس اسلامی به‌عنوان تنها سازمان منطقه‌ای بزرگ که بر محور دین تأسیس شده است (عزتی، ۱۳۹۰: ۱۶۰)، در فصل هشتم آن جلب توجه می‌نماید. از طرفی در زمان تدوین منشور ملل متحد، چون طرفداران منطقه‌گرایی خواهان توجه بیشتری به سازمان‌های منطقه‌ای بودند. لذا تمهیدات منشور برای ترتیبات منطقه‌ای بیشتر، تأکید بر نقش پررنگ سازمان‌های منطقه‌ای از جمله سازمان کنفرانس اسلامی در جهت حفظ صلح و امنیت بین‌المللی لحاظ شده است (مصفا، ۱۳۷۶: ۸۰۶). در مورد همکاری میان سازمان ملل متحد و سازمان کنفرانس اسلامی، یکی از اصلی‌ترین زمینه‌های همکاری، گذشته از اصول و مقاصد منشور ملل متحد، وجود تمهیدات فصل هشتم آن می‌باشد. در همین رابطه، تأکید منشور سازمان کنفرانس اسلامی در مقدمه خود بر احترام به منشور ملل متحد و اصول آن نیز مهم تلقی می‌گردد. بر این اساس، برای پیشبرد اهداف پژوهش و نیز فرضیه حاضر، به برخی از موارد همکاری، در منشور دو سازمان نگاهی خواهیم انداخت. با توجه به بررسی‌های به عمل آمده در منشور سازمان ملل متحد:

اول اینکه، در بند ۱ ماده ۵۲ منشور مقرر گردید: «هیچ یک از مقررات منشور مانع وجود قراردادهایی یا موسسات منطقه‌ای برای انجام امور مربوط به حفظ صلح و امنیت بین‌المللی که متناسب با اقدامات منطقه‌ای باشد، نیست؛ مشروط به این‌که قراردادها یا موسسات و فعالیت آن‌ها با مقاصد و اصول ملل متحد سازگار باشد.» در این صورت، می‌توان نتیجه گرفت در چارچوب منشور ملل متحد، ماهیتاً تشکیل سازمان‌های منطقه‌ای از جمله سازمان کنفرانس اسلامی برای به انجام رساندن امور مربوط به حفظ و صلح و امنیت بین‌المللی پذیرفته شده می‌باشد.

دوم اینکه، در بند ۲ ماده ۵۲ منشور اعضای ملل متحد می‌توانند قبل از مراجعه به شورای امنیت از طریق سازمان‌ها (از جمله سازمان کنفرانس اسلامی) به حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات خود بپردازند.

سوم اینکه، در بند ۳ ماده ۵۲ منشور شورای امنیت، حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات را از طریق موسسات منطقه‌ای (از جمله سازمان کنفرانس اسلامی) تشویق می‌کند.

چهارم اینکه، در ماده ۵۳ منشور، اعمال قوه قهریه توسط این سازمان را بدون رضایت شورای امنیت قدغن می‌کند. یعنی براساس تمهیدات منشور، در صورت تعارض بین صلاحیت سازمان ملل متحد و سازمان منطقه‌ای (از جمله سازمان کنفرانس اسلامی)، سازمان ملل متحد مقدم خواهد بود.

پنجم اینکه، به‌طور کلی در ماده ۱ منشور بر حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، توسعه روابط دوستانه در میان ملل و حصول همکاری‌های بین‌المللی در حل مسائل تأکید شده است. از طرفی در منشور سازمان کنفرانس اسلامی داریم که :

اول، در مقدمه منشور کشورهای عضو، تعهدشان را نسبت به منشور ملل متحد و حقوق اساسی بشر، که مقاصد و اصول آن زمینه را برای همکاری ثمربخش میان تمام مردم جهان فراهم می‌آورد، اعلام نموده‌اند.

دوم، در بند ۱ ماده ۲ منشور در بخش مقاصد سازمان، اتخاذ تدابیر لازم به منظور حمایت از صلح و امنیت بین‌المللی مبتنی بر عدالت آمده است.

سوم، در بند ۲ از ماده ۲ منشور در بخش اصول سازمان، تعهد به موازین حقوق بین‌الملل از جمله برابری همگانی دولت‌ها، احترام به حق خودمختاری، عدم مداخله در امور داخلی، احترام به حاکمیت، استقلال و تمامیت ارضی کشورها و حل اختلافات از طریق مسالمت‌آمیز و عدم توسل به زور ذکر شده است.

با این توضیحات از دو منشور، می‌توان گفت که از لحاظ نظری دیدگاه مشترکی برای مذاکرات و همکاری دو سازمان وجود دارد. لذا تأکید منشور ملل متحد و منشور سازمان کنفرانس اسلامی برای روابط آن‌ها در اینجا به وضوح دیده می‌شود. اما آغاز همکاری عملی آن‌ها از سال ۱۹۷۴ پس از ثبت منشور سازمان کنفرانس اسلامی

در دبیرخانه سازمان ملل متحد (مطابق ماده ۱۰۲ منشور ملل) شروع شد. در ماه اوت سال ۱۹۷۵ نمایندگان اعضای سازمان کنفرانس اسلامی طی نامه‌ای تقاضا کردند که در سی‌امین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد، موضوع اعطای وضعیت ناظر به سازمان کنفرانس اسلامی طرح و تصویب شود. در متن لایحه وابسته به تقاضا، نمایندگان اظهار داشتند که کنفرانسی که در سال ۱۹۶۹ با هدف تقویت همکاری و اتحاد در میان ملل مسلمان ایجاد شده، آن‌ها خود را پای‌بند به اهداف و اصول منشور ملل متحد می‌دانند. هم‌چنین از آنجایی که کنفرانس بسیاری از مسائل بین‌المللی را در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و بشردوستانه مدنظر قرار داده و آن‌ها با سازمان ملل متحد ارتباط دارند، اعضاء خواستار برقراری رابطه نزدیک بین دوسازمان برای تقویت هر دو در تمام زمینه‌های فعالیت می‌باشند. پس از آن بود که طی قطعنامه مجمع عمومی تصمیم گرفتند که از سازمان کنفرانس اسلامی برای شرکت در جلسات و فعالیت مجمع به‌طور ناظر دعوت به‌عمل آورند. در ادامه، در سال ۱۹۸۰ با پیشنهاد پاکستان (یکی از اعضای فعال سازمان کنفرانس اسلامی) معیارهای خاصی بر همکاری بیشتر با سازمان ملل برای طرح قطعنامه‌ای در دستور کار مجمع عمومی قرار گرفت. در نهایت طرح پیشنهادی پاکستان، با وجود مخالفت برخی از کشورها از طریق اجماع در مجمع عمومی به تصویب رسید که موارد همکاری این دو سازمان در موارد در قطعنامه آمده است: ۱- صلح و امنیت بین‌المللی ۲- خلع سلاح ۳- حق خود مختاری ۴- استعمارزدایی ۵- حقوق اساسی بشر ۶- ایجاد نظام نو اقتصادی بین‌المللی. در همین رابطه، از آن سال به بعد، ارتباط دو سازمان در موارد زیر ادامه دارد:

- ۱- تصویب قطعنامه همکاری هر ساله در مجمع عمومی (بدون رأی‌گیری).
  - ۲- گزارش سالیانه دبیر کل به مجمع، درباره ارتباط بین سازمان ملل متحد و سازمان کنفرانس اسلامی.
  - ۳- توزیع اسناد سازمان کنفرانس اسلامی به‌عنوان اسناد ملل متحد و بالعکس.
- شرکت دبیرکل‌های دو سازمان در اجلاس‌های مهم مانند اجلاس سران سازمان و مجمع عمومی ملل متحد (مصفا، ۱۳۷۶: ۸۱۲-۸۱۰).

موارد ذکر شده، زمینه‌های عملی این دو سازمان به شکل نهادینه می‌باشد که پایه گذار همکاری و مذاکرات برای حفظ صلح و امنیت بین‌الملل در سطح جهان است. لذا همکاری سازمان ملل متحد و جهان‌شمول آن، با تنها سازمان منطقه‌ای که دارای پتانسیل قدرتمند جهانی و دینی است، می‌تواند در تحقق امنیت جامع تأثیر مثبت بگذارد.

اما انتقادی که می‌توان از سازمان کنفرانس اسلامی داشت، این است که این سازمان با وجود این که می‌تواند در حفظ صلح و امنیت بین‌الملل و حل و فصل اختلافات منطقه‌ای فعال باشد، اما در عمل این‌طور دیده نمی‌شود. موارد همکاری نکردن این سازمان با سازمان ملل متحد (یا حداقل همکاری) در جنگ‌های خاورمیانه، از جمله حمله اسرائیل به لبنان و غزه یا موضوع فتنه داعش در عراق و سوریه یا حمله عربستان به یمن یا طالبان در افغانستان و پاکستان و بحران بحرین و... از نمونه‌های بارز در این زمینه می‌باشد که نشان‌دهنده عملکرد ضعیف آن در مواجهه جهانی است.

## ۲-۵-۴. همکاری اتحادیه اروپا با سازمان ملل متحد

اتحادیه اروپا، موفق‌ترین الگوی هم‌گرایی منطقه‌ای و یکی از پر نفوذترین سازمان‌های بین‌المللی به شمار می‌آید، این اتحادیه در مهم‌ترین سازمان‌های بین‌المللی، نظیر سازمان ملل متحد، ناتو، صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی و سازمان تجارت جهانی حضور موثر و نفوذ گسترده دارد. افزون بر آن، این اتحادیه به دلیل روابط دو جانبه با کشورهای ایالات متحده، روسیه، هند، چین و ژاپن و نیز سازمان‌های منطقه‌ای، با گستره و دسترسی جهانی و بهره‌مندی از پیشرفته‌ترین فناوری‌های صنعتی از اهمیت بالایی در جهان برخوردار می‌باشد. باید توجه داشت که اصولاً اتحادیه اروپا با دو هدف اساسی توانست هم‌گرایی در اروپا را شکل دهد: اول برقراری و نهادینه‌سازی صلح میان کشورهایی که چند قرن با هم جنگ و ستیز داشتند. دوم، تعمیق همکاری‌های اقتصادی میان اعضا، جهت توسعه رفاه میان شهروندان اروپایی و رعایت حقوق بشر (کیانی، ۱۳۹۰: ۳۰۷). در خصوص امنیت باید گفت

اتحادیه اروپا، نهادمندترین بخش دنیاست و در آن مراجع امنیتی متعدد از زیر مناطق گرفته تا خود اتحادیه اروپا و از محیط زیست گرفته تا ارزش‌های سیاسی جهان‌شمول وضعیت امنیتی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. این اتحادیه در بسیاری از مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای می‌تواند ابتدا توزیع قدرت جهانی را بررسی کند و سپس آن را جزو شرایط مجموعه خود تلقی نماید (بوزان و ویور، ۱۳۸۸: ۱۹۸). در این راستا، اتحادیه اروپایی تلاش دارد تا با الگویی متفاوت به‌عنوان قدرت نرم‌افزارانه در عرصه‌های مدیریت بحران، پیشگیری از مناقشات، صلح‌بانی و بازسازی اقتصادی، سیاست خارجی هنجاری را به مورد اجرا گذاشته و به گسترش و تعمیم معیارهای اروپایی در سطح نظام بین‌الملل بپردازد. در این رابطه، ارتقای همگرایی منطقه‌ای، حقوق بشر، توسعه، گسترش دموکراسی و حکومت قانون از اهداف اعلامی سیاست خارجی مشترک اروپا در جهان می‌باشد (سازمند، ۱۳۹۰: ۷۸). در خصوص حقوق بشر، پس از پایان جنگ سرد و سقوط شوروی (سابق) و امپراتوری آن در اروپای شرقی، به‌واسطه تعهدات بین سازمان ملل متحد و کشورهای اتحادیه اروپا در اسناد کنفرانس‌های پاریس، وین، بُن و به ویژه کپنهاک و مسکو، حقوق بشر به تفصیل تشریح و دموکراسی به‌عنوان حق مهم بشری و مبنایی برای دیگر حقوق بشر تعیین شد. بنابراین، آرمان حقوق بشر به اروپای مرکزی و اروپای شرقی گسترش یافت، سپس پیشرفت‌های سیاسی و اقتصادی اروپای غربی به‌عنوان بخشی از روند پیشرفت به سوی برپایی اتحاد اروپا، درخواست‌های عضویت کشورهای اروپای مرکزی و شرقی و دیگر همسایه‌ها را به سوی خود سرازیر کرد و آن‌ها را به نظام اروپایی حقوق بشر و پیوستن به آن‌ها متعهد کرد. به‌گونه‌ای که از سال ۱۹۹۷ به بعد، نظام اروپایی حقوق بشر به سرعت گسترش یافت و دولت‌های اروپایی، تعهد نسبت به حقوق بشر را در منطقه تحکیم بخشیدند (هنکین، ۱۳۸۳: ۱۰۷). اکنون به جایی رسیده‌اند که حتی در تنظیم روابط خود با کشورهای ثالث امور سه گانه، حقوق بشر، ارتقای دموکراسی و برقراری حاکمیت قانون را از شروط روابط با دیگر کشورها قرار داده‌اند. در حال حاضر، گفتگوی حقوق بشری اتحادیه با شماری از کشورها ادامه دارد که به‌عنوان یک ابزار سیاست خارجی مشترک اتحادیه به خدمت گرفته

شده است. گفتگو و یا تبادل نظرهای حقوق بشری اتحادیه در قالب کنوانسیون‌ها، معاهدات و یا موافقت‌نامه‌های دوجانبه یا منطقه‌ای با کشورهای متقاضی الحاق به اتحادیه اروپا، با کشورهای حوزه آفریقا، کارائیب و پاسفیک در قالب موافقت‌نامه کوتونوا<sup>۱</sup>، از طریق موافقت‌نامه تجارت، توسعه و همکاری با آفریقای جنوبی، از طریق روابط با کشورهای آمریکای لاتین، در قالب روند بارسلون با کشورهای مدیترانه‌ای، از رهگذر گفتگوی سیاسی با کشورهای آسیایی در قالب آ. سه. آن و آسم، در فرآیند روابط با کشورهای غرب بالکان، و از کانال‌های روابط دوجانبه با سایر کشورها در قالب موافقت‌نامه‌های مشارکت و همکاری در حال انجام است (خالوزاده، ۱۳۹۰: ۲۴۶-۲۴۵). از این‌رو، اتحادیه اروپا با داشتن چنین رزومه قوی در اقتصاد، سیاست، تجارت و به‌عنوان سنبیل برقراری و نهادینه‌سازی صلح و حقوق بشر در درون اعضای خود، به‌عنوان نهادمندترین بخش دنیا، موفق‌ترین الگوی هم‌گرایی منطقه‌ای و یکی از پرنفوذترین سازمان‌های منطقه‌ای حقوق بشری از غرب به دنیا معرفی شده است. لذا، امروزه غرب با توجه به نظم اروپایی رعایت حقوق بشری خود در اتحادیه اروپا، سعی در جهان‌شمولی حقوق بشر مدنظر غربی را دارد. آن‌ها حتی برای ارتباط با کشورهای دیگر از حقوق بشر و دموکراسی به‌عنوان ابزار سیاست خارجی استفاده می‌کنند. در نتیجه ایده‌های صلح و امنیت بین‌المللی غرب و سازمان ملل متحد با هم منطبق اند. همکاری آن‌ها با هم و ارتباط آن‌ها با کشورهای عضو سازمان ملل متحد برپایه حقوق بشر قرار گرفته است. البته این وضع، در صورت همکاری با کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی و نیز ارتباط آن‌ها در خصوص حمایت از صلح و امنیت بین‌الملل، می‌تواند بهترین راهکار برای تحقق امنیت جامع باشد. اما انتقادی که به اتحادیه اروپایی می‌توان داشت اینکه، بحث حقوق بشر علی‌رغم اهمیت آن که (ذکر شده) در کشورهای اروپایی بسیار زیاد است، در بسیاری از موارد به صورت یک ابزار سیاسی از سوی اتحادیه و کشورهای عضو آن در روابط خود با کشورهای دیگر به کار گرفته می‌شود. در این رابطه، بعضاً دیده می‌شود که اتحادیه و اعضای آن با کشورهایی روابط بسیار گسترده‌ای دارند که نقض حقوق

1. Traite de kotonno



بشر در آن کشورها بسیار وخیم است و ابتدایی‌ترین حقوق اساسی مورد نظر آن‌ها هم نقض می‌شود. لذا باید در نظر داشت موضوع حقوق بشر در تنظیم روابط اتحادیه اروپایی با کشورهای جهان، معلولی از فضای کلی، منافع سیاسی و اقتصادی است و صرفاً در چارچوب موضوعات حقوق بشری قرار ندارد. در مجموع با توجه به این چالش در اتحادیه اروپا، بازهم این اتحادیه که نمادی از حقوق بشر غربی است، در صورت همکاری با کشورهای سازمان همکاری اسلامی می‌تواند بهترین راهکار برای تحقق امنیت جامع در جهان امروز باشد.

### نتیجه‌گیری

با بررسی دلایلی که اشاره شد و یافته‌های پژوهش، این نتایج به‌دست می‌آید که در تأیید یا رد فرضیه تحقیق نیز، تأثیر خواهد گذاشت:

۱- حمایت از حقوق بشر، ضامن بقای صلح و تحکیم نظام بین‌المللی است. در این رابطه ثابت شده است که حمایت همه نهادها و سازوکارهای جهانی و منطقه‌ای از جمله سازمان کنفرانس اسلامی، سازمان ملل متحد، اتحادیه اروپا، آفریقا، آمریکای لاتین و... از حقوق بشر می‌تواند ضمن پیشگیری از بروز درگیری‌ها، ضامن بقای صلح و تحکیم نظام بین‌المللی در جهان باشد. لذا در این راه، انجام مذاکرات پارلمانی نهادینه در سطح جهانی و منطقه‌ای راهکاری برای تحقق امنیت جامع می‌باشد.

۲- انجام برخی از مذاکرات حقوق بشری اسلام و غرب بر روند صلح جهانی تأثیر مثبت خواهد گذاشت. در این رابطه ثابت گردید که بین کشورهای اسلامی با غرب در خصوص حقوق بشر حداقل در چهار مورد قابل مذاکره می‌باشد. این موارد عبارتند از: ۱- حمایت از گروه‌های خاص و ضعیف جهان ۲- حمایت از صلح در جهان ۳- حمایت از حقوق بشردوستانه ۴- حمایت از محیط زیست.

۳- توجه به حقوق بشر سازمان‌های بین‌المللی، راهکاری برای تحقق امنیت جامع می‌باشد. در این رابطه مباحث لازم الاجرائی حقوق بشر در سازمان ملل متحد به‌عنوان بزرگ‌ترین و گسترده‌ترین تشکیلات سازمانی جهان می‌تواند به عنوان

استاندارد بین‌المللی رعایت حقوق بشر قلمداد گردد. لذا وجود سازمان ملل متحد و مجموعه ارگان‌هایش و رابطه‌ای که با حکومت‌ها و نهادهای غیردولتی دارند، در کنار مذاکرات حقوق بشری آن در کنوانسیون‌ها، میثاق‌ها و قطعنامه‌های صادرشده، یکی از راهکارهای تحقق امنیت جامع در سطح جهانی می‌باشد.

همچنین سازمان‌های بین‌المللی مردم‌نهاد (I.N.G.O) مانند عضو بین‌الملل، دیده‌بان حقوق بشر، قلم، شورای جهانی، کلیساهای، فدراسیون بین‌المللی حقوق بشر، کمیسیون بین‌المللی حقوق دانان، انجمن روزنامه نگاران و ... که در زمینه‌های مختلف حقوق بشر فعالیت می‌کنند، می‌توانند ضمن توسعه و احترام نسبت به حقوق بشر موجب همبستگی بین بشریت و دفاع از حقوق بشر در سطح عمومی و گسترده در جامعه بین‌المللی گردند. در این صورت، سازمان‌های بین‌المللی مردم‌نهاد با توجه ویژه به حقوق بشر در دنیا و اهداف جمعی آن در ارتباط با روابط همه جهان‌بینی‌های جهان از جمله اسلام و غرب، می‌توانند به‌عنوان یکی دیگر از راهکارهای تحقق امنیت جامع در این پژوهش در نظر گرفته شوند.

۴- توجه به حقوق بشر سازمان‌های منطقه‌ای، راهکاری برای تحقق امنیت جامع می‌باشد. در این رابطه سازمان کنفرانس اسلامی که محور تأسیس آن دین بوده است، با ۵۷ کشور عضو در چهار قاره جهان جمعیتی در حدود یک و نیم میلیارد و با وسعتی بیش از ۳۱ میلیون کیلومترمربع که بخش بزرگی از گستره زمین را در بر می‌گیرد، و نیز با برخورداری از یک سوم اعضای سازمان ملل متحد می‌تواند در تصمیم‌گیری‌های ارکان سازمان ملل، به‌ویژه در حوزه حقوق بشر مهم تلقی گردد. کشورهای عضو آن براساس اصول پنج‌گانه خود، به‌ویژه حل و فصل از طریق راه‌های مسالمت‌آمیز و پرهیز از تهدید، و برای تحقق اهداف هفت‌گانه خود از جمله اتخاذ اقدامات لازم برای حمایت از صلح و امنیت بین‌المللی، تلاش برای از بین بردن تبعیض نژادی و افزایش همکاری با کشورهای غیرعضو در جهت روند تحقق امنیت جامع و نیز احترام به حقوق بشر در سطح جهان می‌تواند راهکار منطقه‌ای حائز اهمیتی برای امنیت جامع باشد.

همچنین اتحادیه اروپا با ۲۷ کشور عضو و ۲۰ درصد تجارت جهانی با دادن

ارجحیت به مسأله حقوق بشر و ارتقای دموکراسی در روابط با کشورهای ثالث و نیز انجام موفقیت‌آمیز در حمایت حقوق بشر، به‌ویژه شکایت افراد از دولت‌ها به دادگاه حقوق بشر اتحادیه اروپا (واقع در استراسبورگ)، اهمیت این اتحادیه در خصوص صلح و امنیت جهانی بیشتر شده است. در این صورت، با توجه به اهمیت رعایت حقوق بشر در هزاره جدید و جایگاه آن در تحکیم صلح و امنیت بین‌المللی و ارتباط متقابل آن‌ها، و نیز ساز و کارهای منطقه‌ای و مذاکرات پارلمانی اتحادیه اروپا در حمایت از حقوق بشر، می‌توان از اهمیت و جایگاه این اتحادیه به عنوان یکی از راهکارهای تحقیق امنیت جامع استفاده کرد.

۵- انجام مذاکرات پارلمانی سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای از جمله همکاری سازمان کنفرانس اسلامی با سازمان ملل متحد و همکاری اتحادیه اروپا با سازمان ملل متحد که زمینه‌های عملی برای تحقق امنیت جامع می‌باشند، به تفصیل بیان شده‌است. در این میان، گزاره‌های نظری از جمله ارتباط منشور ملل متحد با منشور سازمان کنفرانس اسلامی و یا انطباق حقوق بشر اتحادیه اروپایی با حقوق بشر سازمان ملل متحد، توانست راهکارهای عملی را برای تحقق امنیت جامع پدید آورد. لذا در آن ثابت شده است که مذاکرات پارلمانی نهادینه حقوق بشری سازمان کنفرانس اسلامی، سازمان ملل متحد و اتحادیه اروپا با یکدیگر می‌تواند راهکار عملی برای تحقق امنیت جامع در دو دیدگاه اسلام و غرب باشد.

از این رو، با توجه به مثبت بودن کلیه دلایل فوق، فرضیه این پژوهش در خصوص دلایل عملی حقوق بشر در کشورهای جهان، از جمله در کشورهای اسلامی و غربی برای تحقق امنیت جامع تأیید می‌شود.\*

## کتابنامه منابع فارسی

- ایوانز، گراهام و جفری نونام (۱۳۹۱)، *فرهنگ روابط بین‌الملل*، ترجمه حمیرا مشیرزاده و حسین شریفی طرازکوهی، چاپ دوم، نشر میزان، تهران.
- آشوری، داریوش (۱۳۹۳)، *دانشنامه سیاسی*، چاپ بیست و سوم، نشر مروارید، تهران.
- آیسیکو (۱۳۸۷)، «*سازمان علمی، آموزشی، فرهنگی اسلامی (آیسیکو)*»، از مجموعه کتاب‌های سبز وزارت امور خارجه، چاپ اول، نشر وزارت امور خارجه، تهران.
- بوزان، بری و آلی ویور (۱۳۸۸)، *مناطق و قدرت‌ها*، ترجمه رحمان قهرمانپور، چاپ اول، نشر پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران.
- پک، کانی (۱۳۸۱)، «*صلح پایدار: نقش سازمان ملل متحد و سازمان‌های منطقه‌ای در پیشگیری از جنگ*»، ترجمه سهیلا ناصری، نشر وزارت امور خارجه، تهران.
- جعفری، محمد تقی (۱۳۹۲)، *حقوق جهانی بشر و کاوش‌های فقهی*، از مجموعه آثار ۵، چاپ اول، نشر موسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری، تهران.
- جکسون، رابرت و گئورگ سورنسون (۱۳۹۳)، *درآمدی بر روابط بین‌الملل*، ترجمه مهدی ذاکریان و همکاران، چاپ پنجم، نشر میزان، تهران.
- حق شناس، محمدرضا (۱۳۹۰)، «*رهیافت سازه‌نگاری (ونتی) در پرونده هسته‌ای و روابط ایران و اروپا، فصلنامه سیاسی اقتصادی*، شماره ۲۸۳، ص ۱۰۸-۱۳۱.
- خالوزاده، سعید (۱۳۹۰)، *سیاست خارجی مشترک اتحادیه اروپایی*، از کتاب «*اتحادیه اروپا، هویت، امنیت و سیاست*» به کوشش عبدالعلی قوام و داوود کیانی، چاپ دوم، نشر پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، ص ۲۸۲-۲۳۷.
- ذاکریان، مهدی (۱۳۹۲)، *همه حقوق بشر برای همه*، چاپ اول، نشر میزان، تهران.
- سازمان ملل متحد در دنیای امروز (۱۳۸۸)، از کتاب *سازمان ملل متحد در دنیای امروز*، ترجمه علی ایثاری کسمایی، چاپ اول، نشر آبرون، تهران.
- سازمند، بهاره (۱۳۹۰)، *سیاست خارجی قدرت‌های بزرگ*، چاپ اول، نشر ابرار معاصر، تهران.

سیمبر، رضا و ارسلان قربانی شیخ نشین (۱۳۸۸)، **روابط بین‌الملل و دیپلماسی صلح در نظام متحول جهانی**، نشر سمت، تهران.

شبان نیا، قاسم (۱۳۸۹)، حقوق بشر در پرتو اهداف حکومت اسلامی، **دو فصلنامه معرفت سیاسی**، شماره دوم، ص ۳۲-۵.

شبهان، مایکل (۱۳۸۸)، **امنیت بین‌الملل**، ترجمه سید جلال دهقانی فیروز آبادی، چاپ اول، نشر پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران.

عزتی، عزت‌الله (۱۳۹۰)، **ژئوپلیتیک در قرن بیست و یکم**، چاپ چهارم، نشر سمت، تهران. فولر، گراهام و یان لسر (۱۳۸۴)، **احساس محاصره در ژئوپلیتیک اسلام و غرب**،

ترجمه علیرضا فرشچی و علی اکبر کرمی، نشر دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه، تهران. قربانی شیخ نشین، ارسلان (۱۳۹۱)، رویکردی سازه‌نگارانه به سیاست خارجی جمهوری

اسلامی ایران و آمریکا در شمال عراق، **فصلنامه سیاست جهانی**، شماره اول، ص ۸۰-۴۹. قوام، عبدالعلی و داود کیانی (۱۳۹۰)، **اتحادیه اروپا: هویت، امنیت و سیاست**، چاپ

دوم، نشر پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران.

کیانی، داوود (۱۳۹۰)، **اتحادیه اروپا: حال و آینده**، از کتاب «اتحادیه اروپا: هویت، امنیت و سیاست»، به کوشش عبدالعلی قوام و داود کیانی، چاپ دوم، نشر پژوهشکده

مطالعات راهبردی، تهران، ص ۳۱۹-۳۰۷.

گریفیتس، مارتین (۱۳۸۸)، **دانشنامه روابط بین‌الملل و سیاست جهان**، ترجمه علیرضا طیب، چاپ اول، نشر نی، تهران.

گرین وود، کریستوفر (۱۳۸۷)، **سیر تحول تاریخی و مبنای حقوق بشردوستانه**، ترجمه حسین شریفی طراز کوهی، از کتاب حقوق بشردوستانه در مخاصمات مسلحانه،

به کوشش سیدقاسم زمانی و همکاران، چاپ اول، نشر شهر دانش، تهران.

گل‌افروز، محمد و محمد درخور و سجاد کمری (۱۳۹۰)، «تحول نظام ملت-کشورها در ژئوپلیتیک جهان اسلام»، **فصلنامه جغرافیای فرهنگی جهان اسلام**، شماره دوم، ص

۱۶-۳۱.

مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۳)، **تحول در نظریه های روابط بین‌الملل**، چاپ پنجم، نشر سمت، تهران.

مصفا ، نسرين(۱۳۷۶)، سازمان کنفرانس اسلامي و همکاري با سازمان ملل متحد،  
*فصلنامه سياست خارجي*، شماره ۳ ، ص ۸۳۰-۸۰۵ .

وکیل، امیرساعد(۱۳۹۱)، *حقوق بشر، صلح و امنیت بین المللی*، چاپ دوم، نشر مجد،  
تهران.

هگی ، فرشید(۱۳۸۹)، *گفتمان حقوق بشر برای همه*، چاپ اول، نشر موسسه مطالعات  
و پژوهشهای حقوقی شهر دانش، تهران.

هنکین، لوئی(۱۳۸۳)، «حقوق بشر: از آرمان تا واقعیت و چشم انداز آینده»، ترجمه فرشیده  
سرفراز، *فصلنامه اطلاعات سیاسی اقتصادی* ، شماره ۲۰۸-۲۰۷، ص ۱۱۵-۱۰۴.

### منابع لاتین

Booth, ken (1991), security and emancipation , *Review of International studies* , Vol. 17, No.4.

Falk, Richard (1995), *on Human Governance*, Washington, D.C,  
Pennsylvania state university press.

Goldstein, Joshua's (1992), *International Relations*, Landon, Longman.

Joyner, Christopher. C (2005), *International Law in the 21st century*, New  
York, Row man and little field Publishers.

Roberts. A and Guelff .R (2004), *Documents on the Laws of war*, Oxford  
university press.

Whitman, Marina (1999), *Global competition and the xhanging Role of the American corporation*, the Washington Quarterly, spring.